



رویکردی بر مجازات های اصلی، تکمیلی و تبعی قابل اعمال در خصوص اشخاص حقوقی در حقوق کیفری ایران

محسن اعظمی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرمشناسی و مدرس دانشگاه

مجله علمی تخصصی علوم انسانی اسلامی (سال دوم)

شماره ۲۴ / جلد ۱ / خرداد ۱۳۹۶ / ص ۱۵۸-۱۴۷

چکیده: در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی مجرمیت خود را از شخص حقیقی کسب می کند. با توجه به اینکه شخص حقوقی مجموعه ای از گروه ها و جمعیت هایی است که قانون برای آنها شخصیت مستقل از موسسان آن قائل شده، بنابراین باید در برابر اقداماتش مسئولیت داشته باشد. در برابر حقوقی که مقنن برای اشخاص حقوقی قرار داده، تکالیفی نیز برای ایشان مقرر نموده است که، نقض این تکالیف موجب مسئولیت اعم از حقوقی و کیفری برای اشخاص حقوقی خواهد بود. تا قبل از تصویب قانون جدید مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی پذیرفته نشده بود. قانون جدید مجازات اسلامی، در ماده ۱۴۳ مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی را مورد پذیرش قرار داد. با مفروض دانستن مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، در ماده ۲۰ قانون مذکور، مجازات های قابل اعمال در خصوص اشخاص حقوقی مقرر گردید، که مجازات های مذکور نوعا از مجازات های اصلی محسوب می گردد. در خصوص نحوه اعمال مجازات های تکمیلی و تبعی در خصوص اشخاص حقوقی تصریحی وجود ندارد. بررسی نحوه اعمال مجازات های تکمیلی و تبعی در خصوص اشخاص حقوقی، از طریق روش توصیفی- تحلیلی موضوع این تحقیق می باشد.

کلید واژه ها: اشخاص حقوقی، مجازات های تکمیلی، مجازات های تبعی، اشخاص حقیقی، مجازات های اصلی



مقدمه

در علم حقوق، شخصیت به معنای صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف، و صلاحیت اجرای آنها است و منظور این است که، شخص صلاحیت و توانایی آن را دارد که در اجتماع دارای حقوقی بشود و بتواند آنها را اجرا کند و یا آنکه طرف تکلیف قرار گیرد. عاملین حقوقی یعنی دارندگان حقوق و تکالیف در جامعه، اصولاً انسان ها هستند، که موضوع اجتماع و حقوق بشمار می روند. اما در جامعه بعضی جمعیت ها و موسسات همانند اشخاص طبیعی دارای شخصیت هستند. یعنی دارای دارایی، حقوق و تکالیفی هستند که به طور کلی از دارایی حقوق و تکالیف افرادی که آنها را تشکیل داده اند، مشخص و مجزا می باشد. ایشان می توانند عقود و قراردادهایی منعقد کنند، برای دفاع از حقوق خود در دادگاه ها طرح دعوی نمایند و بلحاظ رفتارشان از لحاظ حقوقی یا کیفری مسئول شناخته شوند. در حقوق ایران این قبیل جمعیت ها و موسسات را که دارای شخصیت هستند و از نظر حقوقی دارای وجود علیحده و مجزا از وجود اعضا تشکیل دهنده خود می باشند، اشخاص حقوقی یا معنوی می نامند. ماده ۵۸۸ قانون تجارت در خصوص حقوق و تکالیف اشخاص حقوقی مقرر داشته: «شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن بشود. مانند حقوق و وظایف ابوت، بنوت و امثال ذلک» بنابراین با توجه به اینکه مقنن شخص حقوقی را برخوردار از تمام حقوق مقرر برای اشخاص حقیقی (به استثنای برخی حقوق خاص ایشان) دانسته است، در مقابل برای ایشان تکالیفی نیز مقرر نموده است که در صورت عدم انجام یا ترک این تکالیف مسئول شناخته خواهد شد. این مسئولیت اعم از مسئولیت حقوقی و مسئولیت کیفری است. مسئولیت حقوقی از این لحاظ که ممکن است طرف عقد یا قرارداد یا تعهد قرار گیرد و نقض تعهدی از سوی او صورت گیرد، و مسئولیت کیفری از این لحاظ که ممکن است مقررات کیفری را نقض نماید و از این رو مرتکب رفتار خلاف قانونی گردد که برای آن مجازات تعیین شده است. در قوانین کیفری ایران تا قبل از تصویب قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تصریحی در خصوص پذیرش مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی وجود نداشت. ماده ۱۴۳ قانون مجازات جدید، برای شخص حقوقی مسئولیت کیفری مقرر نمود. این ماده مقرر داشته: «... شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود...». مقنن مجازات های قابل اعمال در خصوص اشخاص حقوقی را زمانی که دارای مسئولیت کیفری می شوند، در ماده ۲۰ قانون مجازات جدید مقرر نموده است. این مجازات ها، ماهیتاً تعزیری بوده و نوعاً از مجازات های اصلی به شمار می رود. در قانون مجازات جدید سخنی از مجازات های تکمیلی و تبعی قابل اعمال در خصوص اشخاص حقوقی به میان نیامده است. در خصوص اینکه آیا مجازات های تکمیلی و تبعی مقرر در مواد ۲۳ تا ۲۶ قانون مجازات اسلامی در خصوص اشخاص حقوقی نیز قابل تعمیم است یا خیر تردیدهایی وجود دارد که در این تحقیق به بررسی تردیدها و مشکلات موجود و ارائه راهکارهایی جهت حل این مشکلات پرداخته ایم تا راهگشای محاکم و قضات دادگاه ها در مورد برخورد با این مسائل باشد.

۱- مجازات های قابل اعمال در مورد شخص حقوقی

«جالب ترین جنبه ضمانت اجراهای کیفری، هدف تنبیهی آنها است. در حالی که ضمانت اجراهای مدنی صرفاً ترمیمی هستند در جهت رفع نیازهایی که نمی توانند بوسیله ضمانت اجراهای کیفری انجام شوند» (مگلی^۱، ۱۹۹۹، ۲۹۰). گفتنی است که مجازات



«نه تنها محکوم کننده رفتار است، بلکه بوجود آورنده یک تأثیر بازدارنده و پیشگیرانه نیز هست» (دندیورند^۲، ۱۹۹۹، ۲۷) مجازات ها بر حسب نسبتی که با یکدیگر دارند، به مجازات های اصلی، تکمیلی و تبعی تقسیم می گردند. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۶۶) این تقسیم بندی هم در مورد مجازات اشخاص حقیقی و هم در مورد مجازات اشخاص حقوقی قابل اعمال است.

۱-۱- مجازات های اصلی اشخاص حقوقی و نحوه اعمال آن ها

برای هر جرم قانون گذار یک یا چند مجازات تعیین کرده که اجرای آن ها فقط به موجب حکم قطعی دادگاه ها ممکن است، این مجازات ها از این جهت که تابع مجازات دیگری نیستند، اصلی هستند. مجازات های اصلی قابل اعمال در خصوص اشخاص حقیقی طبق ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی عبارت از حد، قصاص، دیه و تعزیر می باشد. اما مجازات های اصلی قابل اعمال در خصوص اشخاص حقوقی در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی تعیین گردیده است. ماده ۲۰ قانون مجازات مقرر می دارد: «در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست: الف- انحلال شخص حقوقی ب- مصادره کل اموال پ- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال ت- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال ث- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال ج- جزای نقدی چ- انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه ها»

نکته قابل توجه اینکه، صدر ماده ۲۰ مقرر می دارد: «در صورتی که شخص حقوقی بر اساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می شود...». قانونگذار دقیقاً مشخص نکرده است که در صورت وقوع چه جرایمی، دو مجازات برای شخص حقوقی در نظر گرفته می شود؟ یا اگر قرار بر این باشد که دو مجازات تعیین شود، مجازات های کدام درجه با یکدیگر قابل جمع است؟ نحوه بیان ماده با استفاده از عبارات «شدت جرم ارتكابی» و «نتایج زیان بار جرم» نشان می دهد که جرم ارتكابی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. لیکن اجمال ماده قانونی دست قضا را در این زمینه باز می گذارد. در عین حال منطقاً باید امکان جمع دو مجازات وجود داشته باشد. به عنوان مثال، انتشار حکم محکومیت با تمام مجازات ها قابل جمع است. یا در صورتی که شخص حقوقی به مجازات انحلال محکوم شود، حکم به بندهای پ، ت و ث ماده ۲۰ ناممکن است. نکته دیگر اینکه اگرچه اشخاص حقوقی می توانند مرتکب بزه هایی شوند که اشخاص حقیقی قادر به ارتكاب آن ها هستند، ولی برعکس، اشخاص حقوقی نمی توانند به همان کیفرهایی محکوم شوند که اشخاص حقیقی محکوم می شوند. از سوی دیگر مجازات شخص حقیقی و شخص حقوقی مانع الجمع نیست و در حال حاضر بسیاری از کشورها سیستم مجازات دوگانه را دنبال می کنند. (جیاچن^۳، ۱۹۹۸، ۷۷). ذیل ماده ۱۴۳ ق.م.ا نیز به این موضوع اشاره دارد: «...مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست». ذیل ماده ۲-۱۲۱ قانون مجازات فرانسه هم مقرر داشته: «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی به عنوان مرتکب یا معاون همان اعمال با رعایت مفاد بند چهارم ماده ۳-۱۲۱ نیست». ممکن است این تصور وجود داشته باشد که تعیین دو مجازات برای عمل واحد عادلانه نیست و نباید برای عمل واحد، دو شخص را مجازات کرد. این تصور درست نیست، زیرا هر چند عمل مجرمانه، واحد است، اما محصول اقدام دو شخص است، یکی شخص حقیقی و دیگری شخص حقوقی؛ از یک سو مدیران و مسئولان اشخاص حقوقی به طور مستقیم

2. Dandurand

3. Jiachen



در بروز آن دخالت داشته و از سوی دیگر شخص حقوقی به عنوان مرجعی که اعمال کارمندان آن به نام وی صورت می‌گیرد باید جوابگوی اعمال انتسابی به خود باشد (کامیار، ۱۹۹). البته باید توجه شود که «برخی مجازات‌ها ممکن است تعدادی نتایج اضافی مضر برای شرکت‌هایی که به آن‌ها تحمیل می‌شود داشته باشند. به عنوان مثال، مصادره دارایی شرکت به تعطیلی نهایی آن منجر می‌شود» (هین، ۱۹۹۹، ۲۳۸). البته این نتایج مضر در بسیاری از مجازات‌های اشخاص حقیقی نیز وجود دارد. در واقع مجازات‌ها از یک سو با نقش ارعابی خود، جنبه بازدارندگی دارند و از سوی دیگر گاهی لطمات جبران ناپذیری را که منافی اهداف اصلاحی مجازات است، ایجاد می‌کنند.

نکته قابل توجه در مورد مجازات‌های شخص حقوقی، امکان محکوم کردن شخص حقوقی به پرداخت دیه است. ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی در تعریف دیه مقرر داشته: «دیه اعم از مقدر و غیر مقدر مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایات غیر عمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایات عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود». ماده ۱۴ ضمن برشمردن اقسام مجازات، در تبصره خود بیان می‌دارد: «چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود دیه و خسارت، قابل مطالبه خواهد بود...». به صراحت این ماده، می‌توان اشخاص حقوقی را به پرداخت دیه محکوم کرد. قانونگذار به نحو مناسبی تکلیف اشخاص حقوقی را در پرداخت دیه مشخص نموده است. این موضوع یکی از امتیازات قانون جدید محسوب می‌شود. چراکه پیش از این، مدیر شخص حقوقی، مسئول پرداخت دیه بود. از طرفی شخص حقیقی همیشه این توانایی مالی را نداشت. از سوی دیگر تاوان عملی را می‌داد که سود آن نصیب شخص حقوقی شده بود. مجازات‌های اصلی شخص حقوقی را می‌توان براساس ماهیتشان به چهار گروه تقسیم کرد:

۱-۱-۱- مجازات‌های سالب حقوق

شدیدترین مجازات‌هایی که نسبت به اشخاص حقوقی اعمال می‌شود، مجازات‌های سالب حقوق هستند. این مجازات‌ها در حقیقت شخص حقوقی را از تمام حقوق متعلق به آن‌ها محروم می‌نمایند. با توجه به اهمیت و شدت این مجازات‌ها، در مجازات‌های درجه یک قرار گرفته اند که می‌توان این دسته از مجازات‌ها را به دو نوع انحلال و مصادره کل اموال شخص حقوقی تقسیم کرد:

۱-۱-۱-۱- انحلال

یکی از مجازات‌های بسیار سنگین نسبت به شخص حقوقی انحلال آن است. انحلال، معادل مجازات اعدام برای اشخاص حقیقی است. همانطور که در مورد اعدام این دغدغه همیشه وجود داشته که موارد شمول آن تقلیل یابد، در مورد اشخاص حقوقی نیز این موضوع مطرح است که دایره اعمال این مجازات حتی المقدور کاهش یابد. بدیهی است «انحلال شرکت به سبب اصل تناسب نمی‌تواند در مورد جرایم کم اهمیت به کار گرفته شود» (فیبِرگ، ۱۹۹۸، ۸۵). در واقع «انحلال شرکت باید تنها زمانی در نظر گرفته شود، که اهداف شرکت یا فعالیت‌هایش مستقیماً در جهت ارتکاب تقصیر جزایی است» (کولز، ۱۹۹۸، ۷۰). ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز مؤید همین مطلب است: «انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد». بنابراین تنها

4. Heine
5. Fieberg
6. Kolz



به دو دلیل شخص حقوقی با مجازات انحلال روبرو می‌گردد: اولاً برای ارتکاب جرم به وجود آمده باشد. البته باید گفت در این صورت، شخص حقوقی مانند مؤسسات غیر تجاری واجد شخصیت حقوقی نمی‌گردد و برابر مقررات از ثبت آن خودداری می‌شود. احتمالاً منظور قانونگذار آن است که در حقیقت امر، شخص حقوقی برای ارتکاب جرم به وجود آید ولی در اساسنامه خود، هدف صوری مشروع را ذکر کرده باشد. ثانیاً با تغییر هدف مشروع اولیه، صرفاً به ارتکاب جرم بپردازد. «البته بعضی از مؤلفان در این خصوص جانب احتیاط را رعایت کرده و تغییر موضوع شرکت را مشمول انگیزه یا هدف نامشروع شرکت، که از عوامل انحلال است ندانسته‌اند.» (فرج‌اللهی، ۱۵۷، ۱۳۸۸-۱۵۸) آنچه اهمیت دارد این است که هدف و فعالیت اصلی شخص حقوقی ارتکاب جرم است. بنابراین اگر اهداف و فعالیت‌های فرعی و تبعی شخص حقوقی ارتکاب جرم باشد، مجازات انحلال بکارگرفته نمی‌شود.

در حقوق فرانسه «طبق ماده ۱۳۹-۱۳۱ مجازات انحلال در مورد اشخاص حقوقی حقوق عمومی، احزاب یا جمعیت‌ها، تشکل‌های سیاسی، اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای و مؤسسات نمایندگی پرسنلی قابل اعمال نمی‌باشد.» (فرج‌اللهی، ۱۳۸۸، ۱۵۷) این ماده مجازات انحلال را در موردی پیش‌بینی می‌کند که «شخص حقوقی ایجاد شده است یا هنگامی که شخص حقوقی از اهدافی که بدان منظور تشکیل شده است، به منظور ارتکاب اعمال بزهکارانه برگشته و بزه مربوطه، جنایت است یا جرحه‌ای است که نسبت به اشخاص حقیقی با حبس جرحه‌ای برابر یا بیشتر از سه سال مجازات شده است.» همچنین در حقوق فرانسه «اگر به انحلال رأی داده شد، دادگاه باید شخص حقوقی را برای تصفیه به دادگاه صلاحیتدار بفرستد.» (استفانی، ۱۳۷۷، ۶۶۰) در قانون جرایم رایانه‌ای نیز مجازات انحلال برای شخص حقوقی پیش‌بینی شده است. براساس بند ب ماده ۲۰ قانون جرایم رایانه‌ای، اگر مجازات شخص حقوقی، تعطیلی موقت از یک تا سه سال باشد، در صورت تکرار جرم، شخص حقوقی منحل خواهد شد. «مبنای مهمترین مجازات یعنی تعطیلی شرکت (مشابه مصادره نهایی اموال) حمایت از عموم مردم است. این راه حل استثنایی در نظر گرفته شده برای حمایت جامعه از سازمان‌ها و مؤسسات جنایی ... می‌باشد.» (هین، ۱۹۹۹، ۲۴۶) در واقع در صورتی که شخص حقوقی برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد، شدت ارتکاب و آثار سوء آن به اندازه‌ای است که قانونگذار تنها راه حل را، حذف شخص حقوقی از جامعه می‌داند. به عبارت دیگر سایر مجازات‌ها نمی‌تواند پاسخگوی مناسبی قلمداد شود. در کنار انحلال، مجازات تعطیلی دائم نیز وجود دارد که در کشور ما پیش‌بینی نگردیده است. برخی کشورها مانند اسپانیا، هر دو مجازات انحلال و تعطیلی دائم شخص حقوقی را پیش‌بینی کرده‌اند. گرچه این دو مجازات ماهیت مشابه همدیگر دارند، ولیکن در مجازات انحلال، شخص حقوقی به طور کلی منحل می‌شود، در واقع اثری از شخص حقوقی باقی نمی‌ماند. به عنوان مثال اگر شرکت تجاری با مجازات انحلال روبرو گردد، در دفتر ثبت شرکت‌ها این نکته درج می‌شود. در حالیکه در صورت تعطیلی دائم، شخص حقوقی همچنان باقی است، لیکن کارکردهای خود را از دست می‌دهد.

۱-۱-۲- مصادره کل اموال

مصادره یا ضبط اموال عبارتست از استیلائی دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم علیه به موجب حکم دادگاه. مصادره اوایل به دو دسته مصادره عام و مصادره خاص تقسیم می‌شود. منظور از مصادره عام، «توقیف تمام اموال موجود محکوم علیه اعم از نقدی و غیر نقدی، منقول و غیر منقول است» (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۱۷۱) مصادره کل اموال از زمره مهمترین و سنگین ترین مجازات‌هایی است که پس از انحلال بر شخص حقوقی اعمال می‌شود. و مجازات درجه یک محسوب می‌گردد. بنابراین شاید در نگاه نخست یک مجازات مالی باشد، چراکه در اثر اعمال این مجازات تمام دارایی شخص حقوقی از بین می‌رود. ولیکن این مجازات،



ماهیتی نزدیک به انحلال دارد، چراکه با مصادره کل اموال، شخص حقوقی در معرض نابودی و اضمحلال قرار می‌گیرد. از سویی غالباً این مجازات در مورد اشخاص حقوقی که فعالیت‌هایی تجاری دارند اعمال می‌شود. در مورد یک مؤسسه غیر تجاری این نوع مجازات کارایی چندانی نخواهد داشت. در قانون جدید نیز این مجازات هم ردیف انحلال قرار گرفته است و همانطور که در مبحث قبل ذکر شد طبق ماده ۲۲ زمانی که شخص حقوقی برای ارتکاب جرم بوجود آمده یا فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد اعمال می‌شود. از طرفی با توجه به مطالب فوق و با توجه به اصل شخصی بودن مجازات‌ها تنها اموال شخص حقوقی یا شرکت مصادره می‌شود و این مجازات به اموال شرکا تسری نمی‌یابد.

۱-۱-۲- مجازات‌های محدود کننده حقوق

این دسته از مجازات‌ها از شدت عمل کمتری برخوردارند، ولی تأثیر اقتصادی آن‌ها را بر شخص حقوقی نمی‌توان نادیده انگاشت، زیرا بعضی از آن‌ها مانند ممنوعیت از صدور چک موجب رکود فعالیت‌های اقتصادی شخص حقوقی می‌شوند. (فرج اللهی، ۱۳۸۸، ۱۶۲). هدف اصلی از اعمال این دسته از مجازات‌ها، محدود کردن حقوق و آزادی‌های شخص حقوقی در انجام فعالیت‌های آن است. ماده ۲۰ در سه بند به مجازات‌های محدود کننده حقوق می‌پردازد:

۱-۱-۲-۱- ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

هر شخص حقوقی با محوریت فعالیت‌های شغلی یا اجتماعی خاصی تشکیل می‌شود. به نظر می‌رسد این ممنوعیت شامل فعالیت‌های محوری شخص حقوقی نمی‌باشد. زیرا به عنوان مثال اگر یک مؤسسه غیر تجاری از فعالیت‌های اجتماعی اصلی که بخاطر آن تشکیل شده ممنوع شود، عملاً کارایی خود را از دست می‌دهد و ممکن است منحل گردد. بنابراین مشابه مجازات‌های تبعی و محرومیت از برخی حقوق اجتماعی برای اشخاص حقیقی این فعالیت‌های اجتماعی یا شغلی فرع بر فعالیت‌های اصلی شخص حقوقی محسوب می‌شوند. منطقی است این ممنوعیت‌ها باعث ایجاد خلل در روند فعالیت‌های شخص حقوقی می‌شوند و لیکن مانع اساسی محسوب نمی‌گردند. به نظر می‌رسد قانونگذار باید در مورد این ممنوعیت‌ها به نحو روشن‌تری سخن می‌گفت و همانند محرومیت از حقوق اجتماعی برای اشخاص حقیقی، مصادیق آن را مشخص می‌نمود. در قانون مجازات فرانسه قلمرو این مجازات مشخص شده است. «ممنوعیت، فعالیتی را شامل می‌شود که جرم به مناسبت انجام آن ارتکاب یافته یا در حین انجام آن مرتکب، عمل مجرمانه را محقق ساخته است.» (فرج اللهی، ۱۳۸۸، ۱۵۹) نکته قابل ذکر آنکه در این موارد ممنوعیت، تنها شامل شخص حقوقی است و اشخاص حقیقی را شامل نمی‌شود. «بعضی از مؤلفین معتقدند که مؤسسه یا اعضای شخص حقوقی محروم شده از انجام حرفه معین، می‌توانند شخص حقوقی دیگری را برای انجام همان حرفه تأسیس کنند.» (همان، ۱۵۹) ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی در درجه پنج و در صورتی که برای حداکثر پنج سال باشد، در درجه شش قرار می‌گیرد.

۱-۱-۲-۱- ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال

این مجازات از اهمیت بسیاری برخوردار است و بدیهی است تنها شرکت‌های تجاری را شامل می‌شود. زیرا افزایش سرمایه در شرکت‌های تجاری به ویژه شرکت‌های سهامی عام و خاص نقش تعیین کننده‌ای دارد. ماده ۵ قانون تجارت در این خصوص مقرر می‌دارد: «در موقع تأسیس، سرمایه شرکت‌های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت‌های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در این ماده کمتر شود باید ظرف یکسال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر اقدام به عمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکت‌های مذکور در



قانون تجارت تغییر شکل یابد وگر نه هر ذی نفع می‌تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کند.....» مطابق این ماده اگر افزایش سرمایه ضروری باشد و شرکت سهامی نتواند سرمایه خود را افزایش دهد، با انحلال روبرو خواهد شد و پیامدهای آن بسیار زیاد خواهد بود، خصوصاً اگر شرکت به طور دائم از افزایش سرمایه ممنوع شده باشد. بنابراین در چنین مواقعی شرکت‌های تجاری محکوم به این مجازات باید توجه خاصی داشته باشند تا نیازی به افزایش سرمایه پیدا نکنند و با کاهش آن روبرو نشوند. در قوانین بسیاری از کشورها، چنین مجازات‌هایی به منظور محدود نمودن فعالیت‌های تجاری شخص حقوقی صورت گرفته است. «یک سری از دستورات متنوع اکنون در دسترس است برای دادگاه‌ها تا از فعالیت‌های تجاری که توانسته بر بازار تأثیر غیر منصفانه بگذارد، جلوگیری کنند. این‌ها شامل لغو پروانه، ممنوعیت از انجام فعالیت‌های خاص مثل شرکت در مناقصه‌های عمومی، تولید کالای خاص، بستن قرارداد، آگهی دادن و... است. در برخی کشورها مثل فرانسه و هلند، دادگاه کیفری مجاز است تا چنین مجازات‌ها یا دستوراتی را به مجرم تحمیل کند. در سایر کشورها، تنها مقامات اداری مجاز به انجام چنین کاری هستند.» (هین، ۱۹۹۹، ۲۴۷-۲۴۶) ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه در درجه پنج و در صورتی که ممنوعیت برای حداکثر پنج سال باشد، در درجه شش قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳- ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال

همانطور که پیشتر گفته شد ظاهراً این مجازات، محدود کننده حقوق است و لیکن آثار مالی بسیار زیادی دارد. صدور اسناد تجاری در شرکت‌های تجاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا بخش قابل توجهی از پرداخت‌ها بوسیله اسناد تجاری صورت می‌گیرد. قانونگذار بطور مبهم از ممنوعیت اصدار برخی از اسناد تجاری صحبت می‌کند و مشخص نکرده است که منظور کدام یک از اسناد تجاری است. اسناد تجاری، اسنادی هستند که در امر تجارت و در معاملات تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین دارای دو مفهوم عام و خاص هستند. اسناد تجاری عام شامل بارنامه، قبض انبار و... است. اسناد تجاری خاص طبق قانون تجارت، شامل چک، سفته و برات است. به نظر می‌رسد منظور قانونگذار از عبارت «برخی از اسناد تجاری» مفهوم عام اسناد تجاری مد نظر است. در بین اسناد تجاری خاص، چک از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار است. زیرا شرکت‌های تجاری، همه پرداخت‌های خود را به صورت نقدی انجام نمی‌دهند و چک سند تجاری مهمی محسوب می‌شود. و ابهام در بیان این اسناد تجاری قابل انتقاد است. تفاوتی که این بند با دو مورد قبلی دارد، این است که ممنوعیت اصدار اسناد تجاری حداکثر تا پنج سال است و دائمی نیست. شاید دلیل این تفاوت، همان اهمیت صدور اسناد تجاری است.

«ممنوعیت از صدور چک یکی از ضمانت‌اجراهای با سابقه در قانون مجازات فرانسه است که در سوم ژانویه ۱۹۷۲ مقنن فرانسوی مقررات آیین نامه قانونی ۳۰ اکتبر ۱۹۳۵ را که این مجازات را، به عنوان یک مجازات تکمیلی اختیاری پیش‌بینی کرده بود، تغییر داد و بالاخره قانون سوم ژانویه ۱۹۷۵ اصلاحاتی در آن به عمل آورد..... این مجازات، شخص حقوقی را از صدور و یا کشیدن چک و استفاده از کارت‌های پرداخت ممنوع می‌سازد ولی با وجود این، حق کشیدن چک مدت دار و تضمینی و نیز استفاده از سایر ابزارهای پرداخت برای او محفوظ است.» (فرج‌اللهی، ۱۳۸۸، ۱۶۷) این مجازات در درجه شش قرار دارد.



۱-۳-۱- مجازات های مالی

مجازات های مالی به گرفتن مالی از محکوم علیه اشاره دارند، مهم ترین مجازات های مالی، جزای نقدی و مصادره خاص هستند. با توجه به اینکه بیشترین جرایمی که اشخاص حقوقی مرتکب می شوند، جرایم اقتصادی است؛ مجازات های مالی، ضمانت اجرای مؤثری قلمداد می شود. مجازات های مالی شامل جزای نقدی و مصادره خاص است.

۱-۳-۱-۱- جزای نقدی

جزای نقدی در زمره مجازات های تعزیری است و ماهیتاً عبارت از الزام محکوم علیه به استناد حکم محکومیت به پرداختن مبلغی وجه نقد به نفع دولت است. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۱۶۷) با توجه به اینکه بیشتر جرایم ارتكابی توسط اشخاص حقوقی از زمره جرایم مالی است، رایج ترین و بیشترین مجازاتی که نسبت به شخص حقوقی اعمال می شود، جزای نقدی است. «در قلمرو بزهکاری شرکت، جزای نقدی به علت ماهیت بازدارندگی آن، موثر به نظر می رسد، چون مؤسسات معمولاً در پی سود هستند و از قیمت ها آگاهند.» (فیبرگ، ۱۹۹۸، ۸۷) لیکن جزای نقدی دارای پیچیدگی است. زیرا باید به گونه ای محاسبه شود که هم مؤثر و هم منصفانه باشد به این دلیل که: «جزای نقدی منصفانه تا حدودی از برخی زیان های جزای نقدی گراف جلوگیری می کند.» (همان) که چنین محاسبه ای بسیار دشوار است. «گاهی بازدارندگی، هدف اصلی تحمیل یک جزای نقدی سنگین است.» (هین، ۱۹۹۹، ۲۴۴) «بر اساس تئوری اقتصادی، بازدارندگی ممکن است بوسیله افزایش مجازات بدست آید برای اینکه آن سود مورد انتظار جرم را افزایش می دهد.» (همان) برخی صاحب نظران به جزای نقدی سنگین این ایراد را وارد می کنند که «جزای نقدی سنگین ممکن است شرکت ها را از تجارت منحرف سازد که باعث مجازات شدن کارمندان و سهامداران می شود. در بسیاری از کشورها، جزای نقدی ارتباط کمی با دارایی مالی شرکت و هزینه خسارت ایجاد شده بوسیله جرم دارد.» (همان) در هر حال در دادگاه ها میزان جزای نقدی برای اشخاص حقوقی چند برابر اشخاص حقیقی محاسبه می شود. در حقوق ایران نیز ماده ۲۱ همین نکته را بیان می - دارد: «میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتكاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می شود.» در حقوق فرانسه، «جزای نقدی که کلیه اشخاص حقوقی در معرض آن قرار دارند، پنج برابر مبلغ پیش بینی شده برای اشخاص حقیقی است.» (ماده ۳۸-۱۳۱) و نرخ آن در تکرار دو برابر می شود. نظیر اشخاص حقیقی، اصل شخصی بودن مندرج در ماده ۲۴-۱۳۲ ممکن است قاضی را وادار کند که درآمدها و هزینه های شخص حقوقی را در نظر بگیرد.» (استفانی، ۱۳۷۷، ۶۶۰) ماده ۲۸-۱۲۱ اصلاحی ۲۰۰۴ قانون جزای فرانسه مقرر می دارد: «چنانچه جنایت از ناحیه شخص حقوقی از جنایاتی باشد که برای اشخاص حقیقی جریمه برای آن مقرر نشده باشد، میزان جریمه شخص حقوقی ۱,۰۰۰,۰۰۰ یورو خواهد بود.» در قانون مجازات ما نیز جای چنین ماده ای خالی است. زیرا در بسیاری از جرایم، برای اشخاص حقیقی جزای نقدی در نظر گرفته نشده است. در چنین صورتی میزان جزای نقدی شخص حقوقی با سردرگمی روبرو خواهد شد. راه حلی که به نظر می رسد، این است که مجازات مقرر برای شخص حقیقی به جزای نقدی تبدیل گردد و براساس این میزان، جزای نقدی شخص حقوقی تعیین شود.



۱-۳-۲- مصادره خاص

یکی دیگر از مجازات های مالی بر علیه اشخاص حقوقی مصادره خاص است. « مصادره خاص عبارتست از مالکیت دولت بر بخشی از اموال که گاه موضوع جرم، گاه محصول جرم و گاه ابزار و آلت جرم به شمار می آید.» (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۱۷۲) همچنین «ضبط و مصادره اموال عبارتست از زیان وارده نسبت به اموال نامشروع متهم به حکم قانون و توسط مراجع قضایی.» (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ۳۳۲) لیکن ماده ۲۰ ق.م.ا ۱۳۹۲ در بند ب تنها به مصادره کل اموال اشاره می کند و صحبتی از مصادره خاص نیست. در حقوق فرانسه این نوع از مجازات وجود دارد و بدین نحو تعریف گردیده است: «نظام مصادره خاص به اشیایی که موضوع جرم هستند مانند اسناد و اشیاء جعلی و متقلبانه سلاح غیر مجاز، یا به اشیاء حاصل شده از جرم، مانند سکه تقلبی یا اشیایی که برای ارتکاب جرم اختصاص یافته یا در حین ارتکاب استعمال شده است، مانند سلاح و خودرو در سرقت تعلق می گیرد؛ ... مصادره گاهی به مبلغی وجه نقد که معادل ارزش مال یا شیء مورد مصادره است تعلق می گیرد. مصادره خاص گاهی یک مجازات تکمیلی است که تعیین آن زمانی اختیاری و بعضی از اوقات الزامی است.» (فرج الهی، ۱۳۸۸، ۱۵۳) در حقوق ما نیز مصادره خاص مفهوم مشابه این تعریف را دارد. لذا با توجه به این که مصادره خاص به اشیایی که موضوع جرم هستند، تعلق می گیرد؛ بدیهی است با تجویز مصادره عام، محکوم کردن شخص حقوقی به مصادره خاص به طریق اولی امکان پذیر است. لذا قانونگذار ایرانی با وجود تبصره ۵ ماده ۱۹، خود را از ذکر مصادره خاص بی نیاز دیده است. این تبصره مقرر می دارد: «ضبط اشیاء و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به کارگیری در ارتکاب جرم بوده است، از شمول این ماده و بند (ب) (مصادره کل اموال) ماده (۲۰) خارج و در مورد آنها برابر ماده (۲۱۵) این قانون عمل خواهد شد...». ماده ۲۱۵ بیان می دارد: «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا حسب مورد، مسترد، ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین می کند...». بنابراین علی رغم وجود ماده ۲۱۵، قانونگذار با توجه به قاعده اولویت می تواند شخص حقوقی را به مصادره خاص محکوم کند. چون مصادره خاص، به موجب مواد خاص قانونی مثلاً ماده ۷۰۹، ۵۲۲، ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۳۰ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ (اصلاحی ۱۳۸۹) تعیین شده است و مجرم موضوع آن مواد اعم از اینکه شخص حقیقی یا حقوقی باشد، این عکس العمل ها نسبت به او اعمال خواهد شد.

۱-۳-۲- مجازات های تکمیلی اشخاص حقوقی و نحوه اعمال آن ها

مجازات های تکمیلی به مجازات هایی گفته می شود که در تکمیل مجازات اصلی به آن افزوده می گردد و افزون بر اینکه باید در دادنامه ذکر گردد، هیچ گاه به تنهایی مورد حکم دادگاه قرار نمی گیرند. (اردبیلی، ۱۳۹۳، ۶۸) قانون مجازات جدید در فصلی مستقل به بیان مجازات های تکمیلی پرداخته است و تغییرات بسیاری را در این دسته از مجازات ها ایجاد کرده است. ماده ۱۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ بیان می داشت: «دادگاه می تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید.» بنابراین مجازات تکمیلی در قانون مجازات ۱۳۷۰ به جرایم عمدی تعزیری و بازدارنده تعلق داشت و محدود به سه مورد بود؛ بدون آنکه مدتی برای آن پیش بینی شده باشد. این در حالی است که ماده ۲۳ قانون جدید، با افزایش موارد مجازات های تکمیلی به ۱۵ مورد، جرایم عمدی و غیر عمدی را در بر می گیرد. مهمتر آنکه دامنه این مجازات از



جرایم تعزیری گذشته و جرایم مستوجب حدود و قصاص را نیز شامل می‌شود. و مدت آن بیش از دو سال نخواهد بود. نکته جالب این است که برخی از مواردی که در ماده ۱۵ ذکر شده مانند الزام به تحصیل، ماهیتاً مجازات محسوب نمی‌شوند. زیرا مجازات به معنای ایجاد زجر و رنج در انسان مجرم است که به موجب قانون بر او اعمال می‌شود. در حالی که تحصیل چنین خاصیتی را ندارد. مضافاً که «تعیین الزام به تحصیل به عنوان مجازات نوعی نگرش منفی به ارزش تحصیل است» (عالی پور، ۱۳۹۰، ۵۶). یا برخی موارد مانند توقیف مؤسسه دخیل در ارتکاب جرم، بیشتر یک اقدام تأمینی هستند تا مجازات تکمیلی. ماده ۲۳ قانون جدید درباره مجازات‌های تکمیلی بیان می‌دارد: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید...» ماده از «هر فردی» سخن می‌گوید که تنها اشخاص حقیقی را شامل می‌شود، بخصوص آنکه بسیاری از این مجازات‌ها، متناسب با ماهیت اشخاص حقیقی است. بنابراین اعمال مجازات‌های تکمیلی با استناد به ماده ۲۳ در خصوص اشخاص حقوقی امکان پذیر نمی‌باشد و مجازات مزبور تنها در مورد اشخاص حقیقی قابل اعمال است. همچنین که قانونگذار تصریحی بر اعمال مجازات‌های تکمیلی در مورد اشخاص حقوقی در قانون جدید مجازات اسلامی وجود ندارد و این از خلاهای این قانون به شمار می‌رود. رویکرد مقنن در عدم پذیرش قابلیت اعمال مجازات تکمیلی در مورد اشخاص حقوقی چندان جالب نیست. زیرا که مقنن در تعیین مجازات‌های اصلی برای اشخاص حقوقی دچار محدودیت بوده است و گاه این محدودیت در تعیین مجازات اصلی می‌تواند منجر به تعیین نوع شدید مجازات اصلی گردد. در حالی که اجازه قانون‌گذار به دادگاه‌ها در اختیار صدور مجازات تکمیلی برای اشخاص حقوقی می‌توانست، دست دادگاه‌ها را برای اعمال مجازات متناسب برای اشخاص حقوقی بازتر کند؛ مثلاً از حیث مجازات اصلی، مجازات سبک تری را انتخاب کرده و در کنار آن، مجازات تکمیلی مناسب را تعیین کند، به طوری که آثار زیان بار مجازات، کمتر متوجه سهام داران، کارمندان و اشخاص ذی نفع دیگر نسبت به خدمات شخص حقوقی گردد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد مقنن واژه «فردی» را از ماده ۲۳ قانون مجازات حذف کند و واژه «شخصی» را جایگزین آن نماید، تا مجازات‌های تکمیلی علاوه بر اشخاص حقیقی نسبت به اشخاص حقوقی هم قابل اعمال باشد. یا اینکه ماده جدیدی وضع نماید و مجازات‌های تکمیلی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی و نحوه اعمال آن‌ها را تصریح کند. این احتمال نیز وجود دارد که مجازات‌های قابل اعمال بر اشخاص حقوقی موضوع ماده ۲۰ قانون مجازات، نوعاً مجازات‌های اصلی، اما ماهیتاً مجازات‌های تکمیلی و از مصادیق آن باشند و قانونگذار اعمال همین مجازات‌ها را در مورد شخص حقوقی کافی دانسته است و در واقع ضروری ندانسته که در تکمیل مجازات‌های ماده ۲۰ مجازات‌های دیگری نیز اعمال گردد.

۱-۳- مجازات‌های تبعی اشخاص حقوقی و نحوه اعمال آن‌ها

مجازات‌های تبعی از آثار مترتب بر محکومیت به مجازات اصلی است و هیچ‌گاه در حکم دادگاه قید نمی‌شوند. تبعات محکومیت جزایی عمدتاً محرومیت از حقوق اجتماعی است. محرومیت از حقوق اجتماعی در زمره مجازات‌های قابل اعمال به اشخاص حقوقی نیز می‌باشد. بنابراین از حیث ماهیت مجازات تبعی، مشکلی برای اعمال آن بر اشخاص حقوقی وجود ندارد. قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲ نیز هرچند مجازات تبعی را نپذیرفته است، قوانین مترقی‌ای که از قبل مجازات تبعی را پیش بینی کرده‌اند، همچنان حفظ شده‌اند (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷، ۶۶۷). ماده ۱۴-۱۳۳ این قانون، شمول اعاده حیثیت نسبت به جرایم اشخاص حقوقی را پذیرفته است. در بندهای ۱ و ۲ این ماده، اعاده حیثیت شخص حقوقی محکوم، پس از گذشت پنج سال از تاریخ پرداخت جزای نقدی



یا سپری شدن مرور زمان یا پنج سال از اجرای محکومیت های دیگر یا سپری شدن مرور زمان حاصل می شود (لوترمی و کلب، ۱۳۸۷، ۱۶۲-۱۶۱) در عین حال به نظر می رسد که اعمال مجازات های تبعی بر اشخاص حقوقی منطقی نیست. همان گونه که می دانیم مجازات تبعی به صورت محرومیت از حقوق اجتماعی همچون تصدی مناصب و موقعیت های اجتماعی نظیر عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، داوطلب شدن برای انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای اسلامی شهر و روستا، اشتغال در دستگاه های دولتی و... است که اختصاص به اشخاص حقیقی دارد، نه اشخاص حقوقی. مبنای بحث هم آن است که اعضای جامعه نمی پذیرند فردی که مثلاً تا دیروز به خاطر ارتکاب جرم در حبس بوده است، امروز ناگهان به عضویت یک نهاد مهم حکومتی درآید؛ مثلاً نماینده مجلس یا عضو شورای نگهبان شود. به هر حال، دقت در مواد ۲۵ و ۲۶ قانون مجازات اسلامی که ناظر به مجازات های تبعی است، بیانگر آن است که قانون گذار در مورد مجازات های تبعی همین رویکرد را دنبال کرده است. بر اساس ماده ۲۵ محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت مقرر در این ماده، محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می کند: الف- هفت سال در محکومیت به مجازات های سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی؛ ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار. پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو، در صورتی که دیه جنایت وارده، نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج. هیچ کدام از مجازات هایی که قانون گذار در بندهای سه گانه این ماده آن ها را دارای مجازات تبعی دانسته است، از زمره مجازات های قابل اعمال به اشخاص حقوقی به شمار نمی آیند. دقت در مصادیق حقوق اجتماعی مندرج در ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی نیز که « مجازات تبعی » به شمار می آید بیانگر آن است که عمدتاً تناسبی با اشخاص حقوقی ندارد.

نتیجه گیری

پذیرش مسئولیت کیفری شخص حقوقی یکی از نوآوری های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. قانونگذار گرچه مجال آن را نیافته که به جرایم ارتكابی شخص حقوقی بپردازد و تنها به یک ماده (۱۴۳) اکتفا کرده است؛ یا مصلحت را برآن دیده که تنها شرایط ارتكاب جرم را برشمارد، لیکن در ماده ۲۰ به مجازات های شخص حقوقی پرداخته است. با این همه، اهمیت مجازات های شخص حقوقی به اندازه ای است که وجود چند ماده نمی تواند تمام مسایل مربوط به کیفر اشخاص حقوقی را تبیین کند. مجازات های اشخاص حقوقی در سه گروه مجازات های اصلی، مجازات های تکمیلی و مجازات های تبعی قابل بررسی است. در حال حاضر تنها مجازات های ماده ۲۰ که نوعاً مجازات اصلی هستند، در مورد شخص حقوقی قابل اعمال است. اما اعمال مجازات های تکمیلی و تبعی نسبت به اشخاص حقوقی با توجه به سیاق ماده ۲۳، ۲۵ و ۲۶، امکان پذیر نیست. زیرا مجازات های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ تنها در خصوص افراد (اشخاص حقیقی) قابل اعمال می باشد و اشخاص حقوقی را در بر نمی گیرد. همچنین مجازات های تبعی موضوع مواد ۲۵ و ۲۶ تنها در مورد مجازات های قابل اعمال بر اشخاص حقیقی قابل تعمیم می باشد و شامل مجازات های اشخاص حقوقی نمی شود. اما به لحاظ کلی مانعی برای در نظر گرفتن مجازات های تکمیلی و تبعی نسبت به اشخاص حقوقی وجود ندارد. شایسته است که قانونگذار صراحتاً مقرراتی در خصوص مجازات های تکمیلی و تبعی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی وضع نماید تا مجازات ها متناسب با جرایم ارتكابی اشخاص حقوقی و در راستای تحقق اهداف سیاست جنایی اعمال و اجرا گردد و ایرادات و ابهامات موجود در این خصوص را مرتفع سازد.



مراجع

- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- قانون تجارت
- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، ج ۳، چاپ دوم، نشر میزان.
- استفانی، گاستون و بولوک، برنار و لواسور، ژرژ، (۱۳۷۷)؛ حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، جلد دوم، انتشارات علمی فرهنگی.
- عالی پور، حسن، (۱۳۹۰)، حقوق کیفری فناوری اطلاعات، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
- فرج اللهی، رضا، (۱۳۸۸)؛ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، نشر میزان.
- کامیار، غلامرضا، تخریب آثار تاریخی- فرهنگی توسط اشخاص حقوقی، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۴۴.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۴)؛ بایسته های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ ۱۲.
- لوترمی، لورانس و پاتریک کلب، (۱۳۸۷)، بایسته های حقوق کیفری عمومی فرانسه، تهران، میزان.
- Dandurand, Yvon. Vancouver, Entertaining Realistic Expectations About the Effect of Criminal Sanction Imposed on Corporate entities: Canada, 1999
- Heine, Gunter. Gieben, Sanction in the Field of Corporate Criminal Liability, 1999
- Liu Jiachen, Justice, Beying, The Legislation and Judicial Practice on Punishment of Unit Crime in China, Edited by Albin Eser & Gunter Hein & Barbar Huber, International Colloquium, 1998
- Maglie, Cristina. Cagliari, Corporate Crime and Sentencing: The Italian Solution T, 1999
- Fieberg, Gerhard. Bonn, National Developments in Germany: An Overview, Edited by Albin Eser & Gunter Hein & Barbar Huber, International Colloquium, 1998
- Kolz Harald, Wiesbaden, Forms of Criminal Responsibility of Organisation: Aspect of Legal Practce in Germany, Edited by Albin Eser & Gunter Hein & Barbar Huber, International Colloquium, 1998